

بسم الله الرحمن الرحيم

توسل

عبادتى توحیدى وخالصانه

درس گفتارهای از:

آیت الله استاد شیخ محمد سند

به قلم: شیخ محمد عیسی آل مکبایس

ترجمه و نگارش:

دکتر احمد رضا غائی



انتشارات نبأ

سرشناسه	: سند، محمد ۱۳۴۰
عنوان و نام پدید آور	: التوسل عباده توحیدیه من محاضرات محمد سند، فارسی.
مشخصات نشر	: تهران، نیا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۳ ص
شابک	: ۷ - ۹۱ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: توسل
موضوع	: شیعه -- عقاید
شناسه افزوده	: مکباس، محمد
شناسه افزوده	: غایی، احمد رضا، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۹۰۴ ت ۹ س / ۶ / ۲۲۶ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۳۵۱۳۶۹

توسل

«عبادت‌تو توحیدی و خالصانه»

درس گفتارهایی از: آیت الله استاد شیخ محمد سند

به قلم: شیخ محمد عیسی آل مکباس

ترجمه و نگارش: دکتر احمد رضا غانی / چاپ: صفیه / چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه / قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال / کد کتاب: ۱۴۴ / ۲۰۱

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، روبروی ملک، کوچه

شبستری، خیابان ادیبی شماره ۲۶ تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۷ - ۹۱ - ۸۳۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - 91 - 7 - 8323 - 964 - 978 ISBN

مقدمه مترجم:

نخستین و پایه‌ای‌ترین اصل اعتقادی در میان امت اسلامی بلکه در تمامی ادیان توحیدی و الهی، اصل اصیل توحید است. توحید یعنی شناخت خدای یکتا و یگانه، ایمان و اقرار به او و پرستش خالصانه او.

توحید یعنی ایمان به این که تنها آفریننده، نگهدارنده و تدبیر کننده (مستقل) ما و تمامی عوالم هستی اوست و تنها اوست که شایسته پرستش است. و این حقیقتی است که قرآن، در معرفی صریح، بی‌پیرایه و شفاف آن، در میان همه کتاب‌های آسمانی موجود ممتاز است.

بر این اساس و بی‌هیچ تردیدی، همه امت اسلامی، اجمالاً به این اصل اصیل، شناخت، اذعان و اعتراف دارند و - به حق - بر آن پای می‌فشارند. اما با همه این اوصاف، آیا این بدان معناست که در میان مسلمین، در شؤون مختلف و در جزئیات گوناگون این اعتقاد هیچ‌گونه اختلاف و چالشی وجود ندارد؟! پاسخ این پرسش نیز، به

روشنی منفی است؛ بدین معنی که وجود اختلاف در این زمینه را نیز همه قبول دارند، به گونه ای که انکار آن آنکار واقعیت وجدانی و بدیهی محسوب می گردد.

در عین حال - برای اهل دانش و بصیرت - این نیز روشن است که وجود برخی اختلاف نظرهای علمی در قلمرو این اعتقاد، نایستی به عاملی برای دشمنی و ستیز در میان آنان بدل شود. بلکه بر همگان لازم است در ظل "کلمه توحید" و تمسک به تعالیم حیات بخش قرآن کریم و رسول مکرم اسلام و اهل بیت گرامی ایشان - صلوات الله علیهم اجمعین - در راستای رشد و کمال علمی و فرهنگی خود و جامعه اسلامی بکوشند و از این راه اختلاف های علمی و اعتقادی را نیز کاهش دهند. پاسخ های صحیح به پرسش های علمی - اعتقادی و همگرایی هر چه بیشتر حول محور حق، تنها در یک فضای امن و همراه با مدارای اجتماعی - فرهنگی و از راه مباحثه و مبادله علم، قابل حصول و دستیابی خواهد بود.

یکی از مسائل و پرسش هایی که - مرتبط با مبحث توحید - از دیرباز کم و بیش در میان امت اسلامی مطرح گردیده و دانشمندان به آن پرداخته و پاسخ گفته اند؛ موضوع "توسل" به انبیاء و اولیاء و مقربان درگاه الهی بوده است؛ و این که آیا توسل جستن به اشخاص یا قبور - یعنی ارواح - آنان جائز است یا نه؟ و این که آیا اساساً این عمل با توحید (عبادی) منافات ندارد؟! بسیاری از علماء و دانشمندان فریقین در پاسخ به این پرسش ها، با استناد به ادله عقلی و نقلی

(قرآنی و روایی) که برخی از آن ادله در فصول مختلف این نوشتار ذکر گردیده، حکم به جواز "توسل" داده، توهم شرک بودن این عمل را رد کرده‌اند.

با نگاهی به تاریخچه این شبهه و نظایر آن، به زودی آشکار می‌گردد که در قرون اخیر و معاصر، استعمارگران، به منظور چپاول هر چه بیشتر ثروت‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی، روش‌های دیرینه خود را، در دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و... و عمده کردن آن در میان جوامع مسلمان به شدت فعال کرده، حتی گهگاه به بدعت‌گذاری، مذهب سازی و فرقه پردازی‌های جدید روی آورده‌اند.

شبهه پراکنی، حق جلوه دادن برخی شبهات و بدعت‌ها، که سود جستن از آن‌ها - علاوه بر سست کردن باورهای مذهبی و تکیه‌گاه‌های اعتقادی، در برخی از مسلمانان کم اطلاع - بتواند عده‌ای از مسلمین را نیز علیه عده‌ای دیگر، به عنوان کافر و مشرک بشماراند تا آنجا که خون و مال و عرض و ناموس آنان را مباح انگارند! نزد استعمارگران و نظام‌های شیطانی، بس کارآمد و مغتنم شمرده شده است.

از این رو وظیفه دانشمندان، فرهیختگان و دلسوزان آگاه در جوامع اسلامی بسیار سنگین‌تر می‌گردد؛ چرا که بایستی از یکسو در برابر ترندهای عداوت گستر و ستیز برانگیز، هشیارانه به مقابله بایستند. و از دیگر سو، در برابر شبهات اعتقادی و زمینه‌ها و عوامل نفوذ سستی در باورهای درست جامعه، به ویژه نسل جوان، بی تفاوت نباشند؛

بلکه به تلاشی جهاد گونه در راستای رشد و کمال علمی، تربیتی و فرهنگی قیام کنند و در عین حال پاسخگوی پرسش‌های علمی و شبهات طرح شده اعتقادی آنان نیز باشند.

بر سایر قشرهای جامعه نیز فرض است که این گونه مجاهدت‌های علمی - فرهنگی را قدر بشناسند و تا سر حد توان در حفظ آرامش و سلامت اجتماعی - فرهنگی جامعه بکوشند تا هر چه بیشتر فضا برای این گونه گفت‌وگوهای علمی و سازنده فراهم آید.

نوشتاری که در پیش رو دارید، ترجمه - و در پاره‌ای موارد شرح و توضیح - گفتارهایی عالمانه است، که در راستای همین رسالت فرهنگی - دینی؛ در موضوع "توسل" و طی مجالس مختلف به صورتی موجز و فشرده اما پر ثمر و مستند القاء گردیده، آن گاه به قلم فاضلی ارجمند و تلاشگر به رشته تقریر و تحریر درآمده به زیور طبع آراسته شده است، تا (به تعبیر استاد)، با یاری خداوند نفعش عام و بهره اش فراگیر شود (آمین).

همان گونه که در مقدمه استاد اشاره شده، در القاء مطالب، اهتمام بر آن است تا - مبتنی بر ادله - برای مخاطب بصیر این حقیقت آشکار گردد که: "توسل" به وسائط مورد قبول شارع مقدس (خداوند) و یا معرفی شده از جانب او و به فرمان او، نه تنها (آن گونه که مخالفان توسل پنداشته‌اند) شرک نیست! که حق مطلب در این مقام، از گفتار قائلان به مشروع و مجاز بودن توسل، بلکه از سخنی طرفداران "رجحان (یا استحباب) توسل" نیز بالاتر است.

بدین معنی که - بر پایه حجت‌های استوار و دلیل‌های محکم و پر اعتبار و حیانی و عقلانی، بلکه به استناد روح پایدار و حقیقت دین قویم و استوار فطری و توحیدی، تمسک به وسائط و توسل به سائل تعیین شده و مورد فرمان (مأمور به) از جانب خداوند، نه تنها مشروع و راجح بلکه واجب و فریضه‌ای است الهی و گران قدر، که پذیرش و عمل به مقتضای آن از اعظم عبادات است، چنان که نشانه صدق و راستین بودن دعوی ایمان به خدا و عبودیت خالص و تسلیم محض بودن، در برابر مقام شامخ الوهیت و خداوندگاری حق - جل جلاله - می‌باشد.

و چنین بود که ابلیس، آن عابد هزاران ساله و آن صاحب سجده‌های طولانی - در بندگی خدا - در آزمونی بزرگ، از فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع)؛ یعنی سجده‌ای که در آن آدم صلی الله (ع) - به امر او - قبله گاه بندگی و واسطه تذلل و فرمان بری قرار گرفته بود، مستکبرانه سر باز زد و فرو افتاد و از مقام قرب رانده شد! پس این یک سجده، بر همه آن عبادت‌ها برتری داشت! و این آزمونی بس بزرگ بود بر صدق دعوی بندگی و فرمانبری در برابر مقام الوهیت و ربوبیت مطلقه حق جل جلاله.

بر همین مبنا، نام این نوشتار گرانسنگ، از سوی مُلّقی و مقرر ارجمند و گرامی آن «التوسل عبادة توحیدیه» و در ترجمه فارسی آن،

نام: «توسل؛ عبادتی توحیدی و خالصانه» اختیار گردیده است

✽ - در اینجا لازم است نکاتی یادآوری گردد:

۱ - مترجم در ترجمه آیات از «ترجمه دکتر سید علی موسوی گرمارودی» فراوان بهره‌مند شده است.

۲ - ضمن به کارگیری تلاش مقدور بر حفظ امانت در بازگردان علمی محتوا، و به منظور انتقال بهینه مطالب، عناوین اصلی و فرعی فراوانی - سازگار با مطالب ارزشمند کتاب - در ترجمه درج گردیده که به نوبه خود، می‌تواند گونه‌ای شرح و تفسیر برای خوانندگان فارسی زبان به حساب آید. بعلاوه، برای بهره‌مندی عموم، هر جا نیاز دیده شده، توضیحاتی در () و یا در پاورقی آمده است.

۳ - از آنجا که ناشر محترم بنا داشته است که حجم این سلسله مطالب خیلی زیاد نشود لذا مباحث حضرت آیت الله سند در این موضوع برای خوانندگان عزیز در سه عنوان تقسیم گردیده که این نوشتار اولین بخش آن می‌باشد و انشاءالله دو بخش دیگر در آینده تقدیم خواهد شد.

۴ - هرگونه پیشنهاد اصلاحی در راستای بهینه سازی و بهره‌وری بیشتر مورد استقبال خواهد بود. امید آن که خداوند از همگان به احسن قبول بپذیرد.

مقدمه نگارنده

امروزه طرح پاره‌ای شبهات در زمینه برخی مباحث اعتقادی، فراوان به چشم می‌خورد. به عنوان مثال: «توسل به اولیای خدا یا زیارت قبور آنان» و امثال این باورها، از جانب عده‌ای مورد سرزنش قرار می‌گیرد و معتقدان به چنین باورهائی آماج بدترین دشنام‌ها قرار می‌گیرند، بلکه در بسیاری موارد متهم به شرک و کفر می‌شوند!

به باور ما این گونه برخوردها از شتاب زدگی در قضاوت درباره دیگران سرچشمه می‌گیرد، قضاوتی که خود در بسیاری موارد حاصل فهم نادرست از ادله طرفداران باورهای یاد شده به حساب می‌آید، چنانکه نبود یک شیوه دقیق فکری و یک بررسی عمیق علمی، به دور از جمودهای ذهنی و عصبیت‌های جاهلی، نیز تاثیرگذار می‌باشد.

اکنون بحثی که پیش روی شما است از سوی جناب استاد آیت الله شیخ محمد سند، در راستای حل یکی از چالش‌ها و مسائل اعتقادی، یعنی مسأله «مشروعیت توسل به اولیاء و اوصیاء» بررسی

گردیده و در این راستا، به راستی رسا و دقیق ظاهر شده است. | معظم له | در این بحث ادله مخالفین "توسل به اولیاء" را یکایک طرح کرده، آن گاه با اتکاء به آیات قرآنی، سنت شریف نبوی و احادیث اهل بیت - علیهم السلام - پاسخ گفته است.

در پایان، این گفتار ارزشمند را، به "حق جویان دین پژوه" تقدیم می‌کنیم؛ باشد که حقیقت برای اهلش آشکار و شبهه‌های غرض ورزان حق ستیز دفع گردد.

... و پیام پایانی ما در این پیش گفتار آن است که: حمد و ستایش، سراسر از آن پروردگار جهانیان است و درود بی پایان خداوند، بر بهترین آفریدگان خدا، پاکیزه ترین پیامبران و رسولان؛ صاحب مقام شفاعت کبری و وسیله (راه یابی به مقام قرب خدا)، در دنیا و آخرت، یعنی حضرت ابی القاسم محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - و بر اهل بیت پاک و پاکیزه ایشان - علیهم السلام - باد؛ هم آنان که خداوند پلیدی را از ایشان به دور داشته، و آنان را پاک و پاکیزه قرار داده است.^۱

مقرر: محمد علی آل مکباس ۱۴۲۴ هـ ق - ۲۰۰۳ م

۱- اشاره به آیه تطهیر است که فرموده: "اتما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً" - الأحزاب ۳۳/۳۳ - این آیه بنابر اجماع امت اسلامی، اعم از شیعه و سنی، بی تردید شامل عترت پاک پیامبر (ص) می‌باشد.

پیشگفتار

ستایش خداوندی را که از میان بندگان راستین خود پاکیزگانی را بر می‌گزیند و آنان را؛ درهایی برای اعطای رحمت، وسیله‌هایی برای رسیدن به رضوان و بهشت، کلمه‌هایی برای جذب آمرزش و اظهار توبه و بازگشت قرار می‌دهد و نیز نام‌هایی برای خواندن خود با آن نام‌ها و راهنماییانی که بندگان به واسطه آنان به سوی او متوجه شوند و بالاخره بناها و خانه‌هایی که با اذن او بالا روند و یاد خدا در آن‌ها زنده شود^۱ و البته به دیگران - نیز فرمان داد تا به آن خانه‌ها، از درهای معین شده‌اش در آیند^۲.

آن گاه درود و سلام خداوند بر شفاعت کننده امت و صاحب وسیله؛ آن کسی که خداوند ما را به آمدن نزد او فرمان داد؛ تا او برای

ما - به درگاه خداوند - استغفار کند و آمرزش گناهان مان را بخواهد^۱؛ همان بزرگواری که اعمال ما به او و اهل بیت گرامش عرضه می‌گردد: «قُلْ اَعْمَلُوا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرِسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»^۲: «بگو (آنچه در سر دارید) انجام دهید، که به زودی خداوند و پیامبرش (ص) و مؤمنان (ع) رفتار شما را خواهند دید...» و چگونه چنین نباشد؟! و حال آن که آفریدگار، دوستی و پذیرش ولای آنان را راه و وسیله‌ای به سوی خود قرار داده است: «قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی»^۳: «بگو برای این ارسالت و این که شما را به حیات ایمانی زنده کردم از شما مزدی نمی‌خواهم جز مهر و رزی درباره‌ی خویشاوندانم». و: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرِ فِیْهِ لَكُمْ»^۴ بگو آن مزدی را هم که از شما خواستم برای (بهره‌مندی) خودتان است. و باز فرموده: «قُلْ مَا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شَاءَ اَنْ یَّتَّخِذَ اِلَیَّ رِبَّهً سَبِیْلًا»^۵. بگو از شما مزدی نمی‌طلبم مگر آن که کسی بخواهد راهی (درست) به سوی پروردگارش اختیار کند.

۱ در آیات ذکر شده تدبّر کنید:

۱ - در آیه نخست: به فرمان خداوند پاداشی جز محبت به نزدیک

۲ - التوبة: ۱۰۵/۹

۱ - ر. ك. النساء: ۶۴/۴

۴ - سبأ: ۲۴/۴۷

۳ - الشوری: ۲۳/ ۴۲

۵ - الفرقان: ۵۷/۲۵

ترین کسانم^۱ - که هم در فضای واقعیت و هم بر مبنای روایات معتبره، حضرات علی و فاطمه و حسن و حسین هستند - مهرورزی کنید.

۲ - در آیه دوم می‌فرماید: این مهرورزی که به عنوان اجر رسالت از شما خواستم برای خودم نیست؛ به خاطر خودتان است؛ وَاَلَا پاداش من با خداست و من نیازی به اجر و مزد شما ندارم.

۳ - در آیه سوم نیز فرموده: پاداشی نمی‌خواهم جز آن که کسی راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.

برخی نتایج بسیار روشن این سه آیه نورانی آن است که: رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله)؛ به فرمان خداوند، از هر مسلمانی در قبال پیام رسانی دین و هدایت الهی - فقط یک پاداش طلب کرده است و آن مهرورزی به اهل خانه فاطمه (ص) است؛ و نتیجه این اجر و این مهرورزی به سود خود فرد مؤمن است (فهلکم)؛ و این بهره و نتیجه، چیزی جز ره یابی و ره‌گیری به سوی خدا و رستگاری جاودانه نیست. و نتیجه نهائی و عصاره سخن آن که: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام "تبلور" "سبیل الله" و "حقیقت راه خدا" هستند و "مهرورزی راستین" و برخاسته از دل (و همراه با حسن رفتار) به

۱- «قربی» بر وزن کبری صفت أفعّل تفضیل و به معنای «نزدیکترین» است و نه به معنی نزدیک. با توجه به این معنا، نزدیکترین افراد امت، بلکه نزدیکان پیامبر (ص) به ایشان؛ از حیث نسب و سبب و نیز ایمان و شخصیت، چه کسانی جز بیت پاکیزه علی و فاطمه و فرزندان ایشانند؟!

آنان "اتخاذ سبیل الی الله" و راهیابی به سوی خداست، یعنی همان ایمان مؤمن راستین است؛ که به آنان مژده داد: «به راستی که مؤمنان رستگار شدند»^۱ .

به راستی توّسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او (علیهم السلام) و توجه به سوی خداوند تعالی، به واسطه ایشان؛ آن هم در مقام توجّه و خضوع بندگی به پیشگاه خداوند بلند مرتبه؛ از بزرگترین ابواب عبادت و بندگی و مؤثرترین راه‌های قرب و نزدیکی به اوست. بیاد داشته باشیم که خداوند تعالی، برای نمازهای فریضه، خود فرض و واجب فرموده است که در هنگام توجّه به او، روی به سوی مسجد الحرام بگردانیم.

«و هر جا - و در هر موقعیت که - بودید (برای نماز) روهای خود را سوی آن (مسجد یا کعبه) بگردانید»^۲.

البته خداوند، حکمت این را خود بیان فرموده است؛ آن جا که گوید:

«و خاور و باختر از آن خداوند است؛ پس هر سو رو کنید، آن جا وجه خداوند است؛ بی‌گمان خداوند، نعمت گسترده‌تری داناست»^۳. و نیز

۱- المؤمنون ۲۳/۱

۲- البقره ۲/۱۴۴ و ۱۵۰: و این در حالی است که خدا سمت و سو ندارد و توجه به خدا نیز نیاز به جهت ندارد.

۳- البقره ۲/۱۱۵

فرموده است:

«به زودی کم خردان از مردم خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله ای که بر آن بودند، بازگردانید؟ بگو: خاور و باختر از آن خداوند است؛ هر که را بخواهد به راهی راست رهنمون خواهد شد»^۱

بنابراین، گرداندنِ رو سوی آن - یعنی خانه خدا و مسجد الحرام - به جهت اضافه و نسبتی است که به او - یعنی خداوند - تعالی یافته‌اند. (که این خانه، به خدا اضافه شده و به او انتساب پیدا کرده و مثلاً می‌گویند: "خانه خدا" (بیت الله). همین معنا نیز از عبارت "الله المشرق و المغرب" فهمیده می‌شود؛ یعنی اگر برخی نادان‌ها می‌گویند: چرا قبله را از مسجد الاقصی به سمت مسجد الحرام تغییر دادید؟! یکبار سمت مغرب و دیگر بار به سمت مشرق به نماز می‌ایستید؟! و امثال این اعتراض‌ها! بگو: شرق و غرب از آن خداست؛ "مشرق" یا "مغرب"، خود هدف نیستند بلکه از آن جهت که به خدا نسبت ملکی دارند (الله هستند) و خداوند مالک و صاحب اختیار آن‌ها و اهل آن‌ها است، لذا هر جا و هر چه را بخواهد سمت و واسطه توجه خلق به سوی خودش قرار می‌دهد و ایمان و تسلیم خلق را با تعیین یا تغییر آن‌ها می‌آزماید.

پس روی گرداندنِ سوی خاور یا باختر، همانا (روی آوردن به) قبله‌ای است برای توجه به او (تعالی).

و این نیز روشن است که "وجه الله" یا "روی خدایی"، که به سوی آن روی می‌گردانند^۱؛ چه سمت مشرق باشد (برای اهالی مغرب)، یا مغرب باشد (برای اهل مشرق)؛ این "وجه خدا" هرگز "وجه" و روی جسمانی نیست؛ که خداوند بسی برتر و والا تر است از آن چه «حشویه و مجسمه» - یعنی گزافه‌گویان و فائلان به جسمانیت خدا - درباره او گفته‌اند. بلکه آن (وجه) آیت، علامت و یا نشانه‌ای است (آفریده او) که به "او" - تعالی - توجه می‌دهد و هدایت می‌کند؛ و به خاطر همین است که پس از دستور به روی آوردن سوی قبله، از آن جهت که شرق و غرب از آن خداست، هدایت و "رهمنونی به صراط مستقیم" را از سوی خدا نتیجه می‌گیرد.^۲

و از همین آیات کریمه، که بدان‌ها اشاره گردید، استفاده می‌شود که هادی و راهنما به سوی خداوند و یا "سبیل الی الله"؛ یعنی آن راه که به سوی خدای تعالی برمی‌برد؛ از جمله چیزهایی است که به واسطه آن به سوی خدای بلند مرتبه توجه می‌شود، و می‌دانیم که - بنا بر فرمان عقل، فطرت و قرآن - یک واجب عینی بر هر انسان مکلف است که روی خود را سوی دین حنیف و مستقیم خدایی که همانا طریق فطرت و عبودیت خداست؛ بی‌هیچ گرایشی به چپ و راست

۱- اشاره به آیه شریفه: «إِنَّمَا تَوَلَّوْا فِثْمَ وَجْهِ اللَّهِ»، البقره ۱۱۵/۲.

۲- ... قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، البقره

استوار دارد^۱. و به راستی، خداوند، مهرورزی (یا مودت) به اهل بیت و پیروی از آنان (تولی) را با صفت "راه خدایی" (سبیل الله) وصف کرده است.

پس مردم دین شناس به واسطه آنان - که خود راه خدا، و راهنمای طریق بندگی خدایند - به سوی خداوند تعالی توجه می کنند. همان گونه که در زیارت جامعه آمده است:

«وَمَنْ قَصَّدَهُ تَوْجِهَ بَكْم...»، یعنی هر که آهنگ کوی او را دارد، با شما و پشت سر شما در این راه قدم می نهد.

و با این بیان آشکار می گردد که "توجه و توسل" به واسطه آنان به سوی خداوند، از بزرگترین فرائض و واجبات دینی است.

بدین ترتیب، سخن در این باب - یعنی باب توسل - در مشروع بودن و یا حتی در مطلوب بودن و رجحان آن خلاصه نمی شود، بلکه از این بسی بالاتر می رود و به درجه "وجوب"، بلکه "بزرگ واجب بودن" و بنیادین بودن این فریضه ترقی می کند.

و در این مقام، پژوهشگر ماهر، حدیث شناس متبحر و فاضل ارجمند (جناب آقای) شیخ محمد عیسی آل مکباس، بر ضبط و نگارش مطالبی که "بالداهه و با عباراتی فشرده" و به صورت مقطع (پاره پاره) در زمینه بحث توسل القاء کرده ایم، کمر همت بستند؛ باشد

۱- اشاره به آیه شریفه فطرت است: «فأقم وجهك للدين حنيفاً فطره الله التي فطر الناس عليها.. ذلك الدين القيم».

که بهره آن فراگیر شود؛ همان گونه که از الطاف خداوند علیّ قدیر امید می رود، که او بهترین کمک رسان و یاور است: "إِنَّهُ خَيْرٌ مَعِينٍ وَنَصِيرٌ".

محمد سند

جمادی الآخره ۱۴۲۴ هـ ق

www.ketab.ir